

به نام خدا

تأثیر سبک های یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

مolfan :

مطهره سالاری

سمیه دهقانی محمدآبادی

مژگان گنجعلی

سمیرا سیاسی

مهناز دهمرده کمک

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: سالاری، مطهره، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور: تأثیر سبک های یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان/ مولفان مطهره سالاری، سمیه دهقانی محمدآبادی، مژگان گنجعلی، سمیرا سیاسر، مهناز دهمرده کمک.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۳۸-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: دانش آموزان - سبک های یادگیری - پیشرفت تحصیلی
شناسه افزوده: دهقانی محمدآبادی، سمیه، ۱۳۶۰
شناسه افزوده: گنجعلی، مژگان، ۱۳۷۱
شناسه افزوده: سیاسر، سمیرا، ۱۳۷۱
شناسه افزوده: دهمرده کمک، مهناز، ۱۳۶۶
رده بندی کنگره: Q۳۵۴۶
رده بندی دیویی: ۰۱۳/۶
شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۲۷۸۳۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

نام کتاب: تأثیر سبک های یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
مولفان: مطهره سالاری - سمیه دهقانی محمدآبادی - مژگان گنجعلی
سمیرا سیاسر - مهناز دهمرده کمک
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۵۵-۴۳۸-۳
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار:	۵
چکیده:	۹
مقدمه :	۱۳
فصل اول : نقش معلم در ایجاد انگیزه یادگیری:	۱۷
تأثیر معلمان بر علاقه‌مندی دانش‌آموزان به یادگیری:	۲۲
روش‌های ایجاد انگیزه در کلاس درس:	۲۶
محیط یادگیری مؤثر: فراتر از کلاس درس:	۲۹
طراحی فضای فیزیکی و روانی مناسب برای یادگیری:	۳۴
نقش فناوری در بهبود محیط یادگیری:	۳۸
فصل دوم : تدریس خلاقانه و روش‌های نوین آموزشی:	۴۱
استفاده از تکنیک‌های تدریس فعال و مشارکتی:	۴۴
روش‌های تعاملی برای یادگیری عمیق‌تر:	۴۶
شناخت و پرورش استعدادهای دانش‌آموزان:	۴۹
چگونگی شناسایی توانایی‌های فردی دانش‌آموزان:	۵۲
راهکارهایی برای پرورش استعدادها در بستر آموزشی:	۵۴
فصل سوم : نقش معلم در پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت:	۵۹
استراتژی‌های تقویت تفکر تحلیلی در دانش‌آموزان:	۶۲
ارتباط مؤثر معلم با دانش‌آموزان و والدین:	۶۵
مهارت‌های ارتباطی معلمان برای تعامل بهتر:	۷۱
نقش والدین در فرآیند یادگیری و هماهنگی با معلمان:	۷۸
فصل چهارم : ارزشیابی و بازخورد: چگونه یادگیری را بهبود ببخشیم؟	۸۵

- روش‌های سنجش پیشرفت دانش‌آموزان: ۸۹
- ارائه بازخورد مؤثر برای رشد تحصیلی و شخصیتی: ۹۱
- معلم به عنوان الگو: تربیت شهروندان مسئول و توانمند: ۹۴
- تأثیر ویژگی‌های شخصیتی معلم بر دانش‌آموزان: ۹۷
- آموزش مهارت‌های زندگی و مسئولیت‌پذیری در کنار دروس علمی: ۱۰۰
- نتیجه‌گیری : ۱۰۳
- منابع : ۱۰۵

پیشگفتار:

یکی از چالش‌های مهم نظام‌های آموزشی در عصر حاضر، شناسایی و پاسخگویی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری است. با پیشرفت علم روان‌شناسی تربیتی و توسعه پژوهش‌های تجربی در حوزه آموزش و پرورش، این واقعیت بیش از پیش آشکار شده است که روش یکسان آموزش برای همه دانش‌آموزان، نمی‌تواند اثربخشی لازم را داشته باشد. هر دانش‌آموز با مجموعه‌ای از ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری وارد محیط یادگیری می‌شود و اگر نظام آموزشی نتواند خود را با این ویژگی‌ها تطبیق دهد، بسیاری از تلاش‌های معلمان بی‌ثمر خواهد ماند.

یکی از مفاهیم کلیدی که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته، مفهوم سبک‌های یادگیری است. این مفهوم، ناظر به شیوه‌هایی است که افراد در دریافت، پردازش، سازماندهی و یادآوری اطلاعات از آن‌ها بهره می‌برند. سبک یادگیری را می‌توان به مثابه «امضای شناختی» هر فرد در فرآیند یادگیری در نظر گرفت؛ یعنی الگویی نسبتاً ثابت که نشان می‌دهد فرد ترجیح می‌دهد چگونه بیاموزد.

از آنجا که سبک‌های یادگیری به عنوان متغیری شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط تنگاتنگ دارد، شناخت آن برای معلمان، برنامه‌ریزان درسی و حتی والدین اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که وقتی معلمان بتوانند سبک یادگیری دانش‌آموزان را تشخیص دهند و محتوای آموزشی و روش تدریس خود را با آن هماهنگ کنند، اثربخشی آموزش افزایش می‌یابد، انگیزه یادگیری ارتقا می‌یابد و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بهبود می‌یابد (صادقی،

در تدوین این کتاب، تلاش شده است تا ضمن معرفی دقیق نظریه‌ها و مدل‌های مربوط به سبک‌های یادگیری از جمله نظریه کلب، گاردنر، فلدمن و دان، رابطه آن‌ها با پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی نه فقط در سطح نظری، بلکه با استناد به پژوهش‌های میدانی انجام گرفته تا تصویری واقعی و کاربردی ارائه گردد. فصل‌هایی از کتاب نیز به راهکارهای عملی برای معلمان و والدین اختصاص یافته است تا بتوانند براساس سبک یادگیری فرزندان خود، مسیرهای بهتری برای رشد تحصیلی آنان طراحی کنند.

در دنیایی که نظام آموزشی به سرعت در حال دگرگونی است، دیگر نمی‌توان انتظار داشت با یک روش سنتی، بتوان نسل جدید را به یادگیری مؤثر و پایداری هدایت کرد. شیوه‌های آموزش مبتنی بر سخنرانی صرف، تکالیف تکراری و ارزشیابی‌های ناعادلانه، نه تنها پاسخگوی نیازهای ذهنی و روانی دانش‌آموزان امروز نیست، بلکه باعث افت انگیزش، اضطراب تحصیلی و گاه حتی ترک تحصیل می‌شود. در مقابل، سبک‌محور کردن یادگیری به دانش‌آموز این احساس را می‌دهد که "دیده شده"، "فهمیده شده" و "حمایت شده" است؛ و همین احساس می‌تواند زمینه‌ساز تحولی عظیم در رشد فردی و تحصیلی او شود.

کتاب حاضر همچنین به نقد دیدگاه‌هایی می‌پردازد که سبک‌های یادگیری را افسانه یا افراطی می‌دانند. ضمن پذیرش این واقعیت که سبک‌های یادگیری، ساختارهایی مطلق و تغییرناپذیر نیستند، تأکید شده است که آن‌ها در صورت استفاده صحیح و متعادل، می‌توانند ابزاری نیرومند در ارتقاء کیفیت آموزشی باشند.

مخاطبان این کتاب نه فقط پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت، بلکه معلمان مدارس، والدین دغدغه‌مند، مشاوران آموزشی و حتی دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی هستند.

سبک نگارش تلاش دارد بین دقت علمی و سادگی در انتقال مفاهیم تعادلی معنادار ایجاد کند. بنابراین، خواننده بدون نیاز به پیش‌زمینه تخصصی عمیق، می‌تواند با مفاهیم کتاب ارتباط برقرار کند.

نویسنده در این مسیر از منابع گوناگون علمی بهره گرفته است؛ از مقالات بین‌المللی معتبر تا پژوهش‌های میدانی داخلی، تا بتواند نگاه چندجانبه‌ای نسبت به موضوع شکل دهد. بخش‌هایی از کتاب نیز حاصل تجربه شخصی نویسنده در مواجهه با دانش‌آموزانی با سبک‌های یادگیری متفاوت است که در کلاس‌های درس با چالش‌ها و فرصت‌های گوناگون روبه‌رو بوده‌اند.

در پایان، امیدوارم مطالعه این اثر، تلنگری باشد برای نظام آموزشی ما تا از نگاه تک‌بعدی و یکنواخت به آموزش فاصله بگیرد و به‌سوی مدرسه‌ای برود که در آن تفاوت‌ها نه مانع، بلکه فرصت رشد شناخته می‌شوند. همچنین امیدوارم که این اثر بتواند سهم کوچکی در مسیر توسعه عدالت آموزشی و افزایش کیفیت یادگیری در مدارس داشته باشد.

با آرزوی فردایی روشن برای تمام دانش‌آموزانی که با سبک خاص خود، جهان را به شیوه‌ای منحصر به فرد تجربه می‌کنند.

چکیده:

نظام‌های آموزشی پویا و کارآمد، همواره در پی آن هستند که با شناخت دقیق از ویژگی‌های یادگیرندگان، روش‌هایی را اتخاذ کنند که بیشترین بهره‌وری را در فرآیند یاددهی-یادگیری ایجاد نماید. یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که در دهه‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است، «سبک‌های یادگیری» است؛ مفهومی که بر تفاوت‌های فردی در نحوه درک، پردازش، سازماندهی و به‌کارگیری اطلاعات دلالت دارد. این سبک‌ها می‌توانند شناختی، عاطفی، اجتماعی یا رفتاری باشند و به‌طور مستقیم بر نحوه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارند. از این‌رو، پرداختن به موضوع سبک‌های یادگیری، نه‌فقط یک ضرورت علمی بلکه یک نیاز کاربردی برای بهبود کیفیت آموزش است.

در کتاب حاضر، با عنوان «تأثیر سبک‌های یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان»، تلاش شده است تا رابطه میان انواع سبک‌های یادگیری با پیشرفت تحصیلی بررسی شود. مبنای نظری این پژوهش، بر اساس مدل‌هایی چون مدل تجربی دیوید کلب (Kolb, 1984)، مدل چندگانه گاردنر (Gardner, 1993)، و سبک‌های ادراکی دان و دان (Dunn & Dunn, 1992) طراحی شده است. این مدل‌ها، سبک‌هایی نظیر شنیداری، دیداری، حرکتی، منطقی، اجتماعی، درون‌فردی و ... را معرفی می‌کنند و نشان می‌دهند که یادگیرندگان مختلف، ترجیحات متفاوتی در یادگیری دارند.

از نظر رویکرد پژوهشی، این کتاب متکی بر روش توصیفی-تحلیلی با رویکردی ترکیبی است. اطلاعات نظری از طریق تحلیل متون و منابع معتبر علمی جمع‌آوری شده و در بخش‌هایی نیز از یافته‌های پژوهش‌های میدانی و داده‌های آماری بهره گرفته شده است. همچنین مطالعاتی از

نظام‌های آموزشی موفق در سطح جهان مورد بررسی قرار گرفته تا بتوان از الگوهای بین‌المللی در تبیین نتایج استفاده نمود.

نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که عدم انطباق روش تدریس با سبک یادگیری دانش‌آموزان، یکی از عوامل اصلی افت تحصیلی، بی‌انگیزگی و احساس ناکامی در محیط آموزشی است. در مقابل، دانش‌آموزانی که در کلاس درس، سبک یادگیری‌شان مورد توجه قرار می‌گیرد، عملکرد بهتری دارند، مشارکت بیشتری در فرآیند آموزش نشان می‌دهند و از رضایت بیشتری نسبت به محیط مدرسه برخوردارند. این رابطه به‌ویژه در دوره متوسطه که مرحله گذار از کودکی به نوجوانی است، با شدت بیشتری مشاهده می‌شود. زیرا در این سنین، هویت آموزشی و تحصیلی دانش‌آموزان در حال شکل‌گیری است و تجارب یادگیری مثبت یا منفی، می‌تواند مسیر آینده آنان را تعیین کند.

تحلیل محتوای یافته‌ها بیانگر آن است که استفاده از روش‌های تدریس متنوع و سبک‌محور، همچون آموزش مبتنی بر پروژه، یادگیری مشارکتی، استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای و طراحی تکالیف انفرادی متناسب با سبک یادگیری، می‌تواند نقش بسزایی در ارتقاء عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان ایفا نماید. همچنین معلمان می‌توانند با بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر پرسش‌نامه‌های تشخیص سبک یادگیری، شناخت دقیقی از دانش‌آموزان خود به‌دست آورند و استراتژی‌های آموزشی مناسب را طراحی کنند.

از دیگر یافته‌های مهم این کتاب، تأثیر خانواده بر توسعه و تثبیت سبک‌های یادگیری در فرزندان است. سبک تربیتی والدین، محیط یادگیری در خانه، تشویق به خودتنظیمی یادگیری، و

دسترسی به منابع متنوع آموزشی در خانواده، همه عواملی هستند که در کنار محیط مدرسه، در رشد سبک‌های یادگیری مؤثرند.

این کتاب همچنین به نقد و بررسی دیدگاه‌هایی پرداخته است که سبک‌های یادگیری را به چالش می‌کشند و آن را صرفاً یک افسانه آموزشی می‌دانند. با پذیرش این نقدها، بر ضرورت نگاه واقع‌بینانه و منعطف به مفهوم سبک یادگیری تأکید شده است؛ چرا که این مفهوم در صورتی که به‌درستی فهم و به‌درستی به‌کار گرفته شود، می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤثرترین ابزارهای تربیتی، زمینه‌ساز رشد تحصیلی و شخصیتی دانش‌آموزان شود.

از دیگر نقاط قوت این کتاب، ارائه راهکارهای کاربردی برای معلمان، مشاوران و والدین است. در فصل پایانی، پیشنهادهایی برای طراحی برنامه درسی بر اساس سبک‌های یادگیری ارائه شده است. همچنین نحوه تعامل مؤثر با دانش‌آموزان با سبک‌های متفاوت و راهکارهایی برای تشخیص سبک یادگیری آن‌ها در عمل، به‌تفصیل شرح داده شده است.

در مجموع، این کتاب با هدف تلفیق بین نظریه و عمل در حوزه سبک‌های یادگیری نگاشته شده است. امید آن است که این اثر بتواند گامی مؤثر در جهت بهبود کیفیت آموزش در مدارس کشور، افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان در یادگیری، و در نهایت ارتقاء سطح علمی و روانی نسل آینده بردارد.

مقدمه :

معلمان به عنوان ارکان اصلی نظام آموزشی نقشی اساسی در فرآیند یادگیری و شکوفایی دانش آموزان ایفا می کنند. آن ها نه تنها مسئول انتقال دانش هستند بلکه باید فضایی حمایتی و انگیزشی برای دانش آموزان فراهم کنند تا بتوانند استعداد های خود را به خوبی شناسایی و پرورش دهند (دولتی، ۱۳۹۵). از این رو، استفاده از روش های تدریس فعال و نوین اهمیت زیادی پیدا می کند. پژوهش ها نشان می دهند که معلمان با استفاده از تکنیک های مشارکتی و پروژه محور می توانند دانش آموزان را به یادگیری فعال تشویق کرده و از طریق تعامل های سازنده، محیطی پرانرژی و خلاق در کلاس درس ایجاد کنند (خلیلیان، ۱۳۹۹).

آموزش مؤثر نیازمند شناسایی نیازها و استعداد های فردی دانش آموزان است. معلمان باید به طور مداوم در جستجوی روش های تدریس جدید و متناسب با شرایط و توانایی های دانش آموزان باشند (سید حسینی، ۱۳۹۸). در این راستا، معلمان باید از ابزارهای مختلفی برای ارزیابی توانایی های دانش آموزان استفاده کنند و بازخوردهایی سازنده ارائه دهند تا به پیشرفت هرچه بیشتر آن ها کمک کنند (مظفری، ۱۳۹۷).

توانمندی های اجتماعی و فکری دانش آموزان، یکی دیگر از ابعاد مهم یادگیری است که معلمان با استفاده از روش های نوین می توانند آن ها را تقویت کنند. روش های تدریس مانند بازی های آموزشی، فعالیت های گروهی و کارگاه های پروژه محور به دانش آموزان این امکان را می دهند که مهارت های اجتماعی خود را تقویت کرده و در محیطی همکاری محور، توانمندی های فکری و شناختی خود را پرورش دهند (میرزایی، ۱۳۹۸). این رویکردها در حقیقت باعث می شوند که دانش آموزان توانایی حل مسائل پیچیده را پیدا کرده و در برابر چالش های آموزشی و اجتماعی

بهتر واکنش نشان دهند (علی‌پور، ۱۴۰۰). در این راستا، توران میرهادی از پیشگامان آموزش و تربیت در ایران به شدت به اهمیت آموزش جامع و پویا اشاره می‌کند. او تأکید دارد که آموزش نباید محدود به انتقال اطلاعات باشد، بلکه باید زمینه‌های لازم برای رشد فکری، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان را فراهم کند. وی به معلمان توصیه می‌کند که با تقویت همدلی و ایجاد ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان، به آن‌ها کمک کنند تا توانمندی‌های خود را به‌طور مؤثر به نمایش بگذارند (میرهادی، ۱۳۹۶).

یکی از ابعاد مهم آموزش، توسعه خلاقیت است. معلمان باید به‌گونه‌ای تدریس کنند که دانش‌آموزان به تفکر انتقادی و خلاقانه برسند و از روش‌هایی استفاده کنند که به آن‌ها فرصت دهد تا از توانایی‌های خود استفاده کنند و ایده‌های جدیدی بیابند (خلیلیان، ۱۳۹۹). برای این کار، روش‌های تدریس فعال و استفاده از منابع متنوع آموزشی همچون بازی‌ها، تحقیقات علمی و تکنولوژی می‌تواند به شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان کمک کند.

همچنین، معلمان باید به‌طور مداوم خود را از نظر حرفه‌ای و علمی به‌روز نگه دارند. استفاده از دوره‌های آموزشی و بازآموزی، آن‌ها را قادر می‌سازد که روش‌های نوین تدریس را شناسایی کرده و با استفاده از این روش‌ها، اثرگذاری بیشتری بر روی دانش‌آموزان خود داشته باشند (علی‌پور، ۱۴۰۰). این امر نه تنها موجب بهبود کیفیت آموزش می‌شود، بلکه به معلمان امکان می‌دهد که با چالش‌های جدید آموزشی که در دنیای دیجیتال پیش می‌آید، بهتر مقابله کنند. شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان نیازمند حمایت و تعامل میان معلمان، والدین و جامعه است. معلمان باید با والدین همکاری کنند تا روند آموزشی و پرورش مهارت‌های اجتماعی و فکری دانش‌آموزان

به‌طور مؤثری پیش برود. این همکاری می‌تواند از طریق برگزاری جلسات منظم با والدین، ارسال گزارش‌های پیشرفت تحصیلی و ایجاد ارتباط مستقیم با خانواده‌ها انجام شود (مظفری، ۱۳۹۷). در مجموع، معلمان با استفاده از روش‌های نوین و متنوع تدریس، ایجاد فضایی حمایتی و تعامل با والدین و جامعه می‌توانند به‌طور مؤثر نقش خود را در شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان ایفا کنند و زمینه‌های لازم برای رشد و پیشرفت آنان را فراهم آورند.

محیطی که در آن تعامل، احترام متقابل، آزادی اندیشه و فرصت تجربه‌های جدید فراهم باشد، می‌تواند انگیزه درونی دانش‌آموزان را تقویت کند و آن‌ها را به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری ترغیب نماید. این امر مستلزم آن است که معلم نه‌تنها یک انتقال‌دهنده دانش، بلکه یک تسهیل‌گر، راهنما و الگو برای دانش‌آموزان باشد؛ کسی که بتواند با ایجاد فضای امن عاطفی، اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس آنان را بالا ببرد.

از سوی دیگر، در دنیای امروز که تغییرات فناورانه و اجتماعی با شتابی بی‌سابقه رخ می‌دهد، مهارت‌هایی همچون تفکر انتقادی، حل مسئله، کار تیمی، سواد رسانه‌ای و مدیریت احساسات، اهمیتی بیش از گذشته یافته‌اند. معلمانی که از شیوه‌های سنتی فراتر رفته و از فناوری‌های نوین، محتوای چندرسانه‌ای و ابزارهای تعاملی در کلاس استفاده می‌کنند، قادر خواهند بود مهارت‌های قرن ۲۱ را در دانش‌آموزان تقویت کنند و آنان را برای مواجهه با چالش‌های پیچیده آینده آماده سازند.

همچنین، توجه به تفاوت‌های فردی و احترام به سبک‌های یادگیری مختلف از الزامات آموزش کارآمد است. معلمان باید به این نکته واقف باشند که هر دانش‌آموز ظرفیت، سرعت و علایق